یادداشت

محمدجواد اخوان

پرونده ناتمام ۲ حج خونین

دهه اول ماه ذی‌الحجه و عید سعید قربان، یادآور کنگره عظیم حج، این فریضه الهی است؛ فریضه‌ای که نه‌تنها یک عبادت جمعی است، بلکه در دل خود حرکتی وفاق‌آفرین و وحدت‌بخش بوده و محل حل چالش‌های اساسی مسلمین تلقی می‌شود. با پیروزی انقلاب اسلامی، دغدغه حضرت امـام (ره) احیای حج ابراهیمی و نزدیک‌شـدن هر چه بیشـتر حج به ذات اصلی و کارکردهای ژرف خود بود. در مقابل دشمنان جهان اسلام و عمال منطقه‌ای آن به ویژه آل‌سعود تلاش‌های زیادی برای مانع‌تراشی در این مسیر به خرج دادند. در نخستین دهه از عمر انقلاب اسـلامی، نمونه‌ای بارز از این تلاش جاهلانه در سال ۱۳۶۶ و در فاجعه کشتار حجاج بیت‌الله‌الحرام در راهپیمایی برائت از مشرکین بروز یافت. هر چند به دلایل و مصالح سیاسی، پرونده حج خونین ۶۶ به فراموشی سپرده شد و عملاً مورد مطالبه قرار نگرفت،اما گذر ایام نشـان داد که روحیه و نیات رژیم آل سعود چندان تغییری نیافته‌است.

۲۸ سال بعد از حج خونین ۶۶، در سال ۱۳۹۴ هجری شمسی، یکی از تلخ‌ترین و غمبارترین ادوار اقامه این فریضـه رقم خورد و طی دو فاجعه ناگوار هزاران تن از حجاج بیت‌الله‌الحرام، به شهادت رسیدند. در فاجعه نخست، سقوط جرثقیل در صحن مسجدالحرام به شهادت بیش از ۱۰۰ نفر از حجاج انجامیـد و در فاجعه دوم که بزرگ‌تر بود، بیش از ۷ هزار نفر از حجاج در سرزمین منا گرفتار حادثه‌ای مشکوک شدند و در اثر ازدحام و عدم امدادرسانی مناسب، در حالت احرام به شهادت رسـیدند. این حج تلخ، البته برای ایرانیان تلخ‌تر بود؛چراکه کشـور ما در صدر فهرسـت کشـورهای قربانی هر دو حادثه بود و حجاج ایرانی هنوز بعد از گذشـت پنج سال تلخکامی از دست رفتن همسفران‌شـان و تبدیل‌شـدن عید قربان به عزای عمومی را از یاد نمی‌برند. بررسی‌ها نشان می‌دهد فاجعه منا، مرگبارترین حادثه در تاریخ حج ابراهیمی است. با گذشت پنج سال از این فاجعه دهشتناک، رژیم آل‌سعود به‌عنوان حاکم مسلط بر حجاز، مسئولیت این فاجعه را نپذیرفته و از هرگونه پاسـخگویی به جهان اسـلام می‌گریزد، اما امت اسـلامی، به‌خصوص خانواده شـهدای منا، فهرستی بلندبالا از پرسش‌ها و ابهامات را در ذهن خود دارند و طرح و واکاوی در هر یک به کیفرخواسـتی سـنگین علیه این رژیم ننگین و مسئولیت‌ناپذیر تبدیل خواهد شـد. درباره علت وقوع فاجعه منا باید گفت بر اساس بررسی‌های حقوقی مجموع روایات و استنادات شاهدان عینی، فعل مأموران دولتی عربستان مبنی بر انسداد درهای خروجی اصلی برای عبور کاروان امنیتی، موجب این فاجعه‌شده و چون مأموران وابستگان دولت هستند، فعل آنها فعل دولت محسوب می‌شود.

سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی مأموران سعودی در برخورد با این فاجعه هم به گفته شاهدان عینی و هم به شواهد فیلم‌ها و تصاویر موجود، مسلم و محرز است. تصاویر شهدای فاجعه نشان می‌دهد تعداد زیادی از آنها با لبان خشکیده و عطشان دعوت حق را لبیک گفته‌اند و این مطلب با توجه به دمای ۴۳ درجه‌ای روز فاجعه در سرزمین حجاز معنا و مفهوم خاص خود را می‌یابد. علاوه بر اینها گروه‌های امدادی و پزشکی ایرانی از همان ساعات اولیه وقوع این فاجعه، برای کمک به حال مجروحان این حادثه و پس از آن در بیمارسـتان‌های سـعودی حاضر شدند تا نه‌تنها به حجاج ایرانی بلکه تا حد امکان به مجروحان سایر کشورها نیز خدمت‌رسانی کنند، اما با ممانعت مسئولان سعودی مواجه شدند.

همچنین دستور مسئولان سعودی مبنی بر جمع‌آوری دوربین‌های مداربسته در محل وقوع فاجعه منا نیز بر عمق شائبه‌ها در خصوص ماهیت این حادثه می‌افزاید. وقتی این موضوع را در کنار اقدام برخی مأموران سعودی در جمع‌آوری و ضبط برخی تلفن‌های همراه افراد قرار می‌دهیم، این ذهنیت شکل می‌گیرد که سعودی‌ها چه واهمه‌ای از فیلم‌های ضبط‌شده مربوط به این فاجعه دارند؟

همان‌گونه کـه پیش‌تر نیز اشـاره شـد، حادثه منـا، خونبارترین و مرگبارترین فاجعه تاریخ حج ابراهیمی اسـت و نکتـه قابل‌تأمل آن است که این حادثه در عصر رسـانه‌ها و ارتباطات رخ داده، با این حال در بسیاری از نقاط دنیا و حتی در کشورهای غربی، آن‌گونه که باید و شاید دیده و شنیده نشد. این بدان معناست که فشار لابی‌های پنهان و آشکار سعودی‌ها و متحدانشان و نیز تطمیع رسانه‌ها با پترودلارهای سـعودی، عملاً فاجعه را به سانسـور کشانده‌اسـت. از جمله حقوق کنسولی شناخته‌شده، دسترسی به اجساد و اجازه انتقال آن به کشور متبوع اسـت. با این حال در روزهای نخسـت، بنای سعودی‌ها بر آن بود که کل شهدای منا را بدون سـروصدای رسانه‌ای در مکه به خاک بسپارند و مستندات موجود نشان می‌دهد در روزهای نخست نیز فاز اول این تصمیم اجرایی شده و شتابزده چند صد تن از پیکرهایی که به دلیل نگهداری نامناسب و غیراصولی در کانتینر نگهداری می‌شد، به خاک سپرده شده‌اند. پس از هشدار رهبر معظم انقلاب‌اسلامی به سعودی‌ها، در خصوص عمل به وظایف خود در قبال پیکر، ناگهان ورق برگشت و آنها مجبور به پذیرش نظر مسـئولان ایرانی و خانواده‌های شهدا شده و البته با فراز و فرود زیادی پیکرها را به جمهوری اسلامی ایران تحویل دادند. اکنون در آسـتانه دهم ذی‌الحجه و عید سـعید قربان، ۳۳ سال از حج خونین ۶۶ و پنج سال از فاجعه تلخ و غمبار منا می‌گذرد و به بهانه‌هایی همچون قطع روابط دیپلماتیک میان ایران و سعودی، هیچ‌گونه پیشـرفتی در پیگیری حقوقی این دو فاجعه و شهدای آن مشاهده نمی‌شود.

جالب این است که به‌رغم آنکه حاکمان بدطینت ریاض، هر روز خباثت خود را علیه ملت ایران بیشتر به نمایش گذاشته و از هیچ تلاشی برای ضربه‌زدن به کشورمان فروگذار نمی‌کنند، برخی از مسئولان اجرایی که از قضا در مسـئولیت‌هایی مرتبط با دیپلماسـی و حج هستند، با چشم بستن بر واقعیت‌ها خواهان تجدید و گسترش روابط با آل‌سعود شده و شوربختانه آنکه این مواضع دور از عزت با پاسخ وقیحانه طرف سعودی مواجه می‌شود. روشن نیست این روند به دور از عزت، حکمت و مصلحت از سوی برخی مسـئولان تا به کی در مقابل ریاض دنبال خواهد شد؟

اکنون که چند سالی از فاجعه غمبار حج خونین ۹۴ می‌گذرد، شخص رهبر معظم انقلاب‌اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که یاد این شهروندان مظلوم ایرانی شهید این فاجعه را گرامی داشته و تفقدی نسبت به بازماندگان و خانواده معظم آنان دارند، دیگر مسئولان در قوه قضائیه، سازمان حج، وزارت امور خارجه و بنیاد شهید تقریباً این پرونده را کنار نهاده‌اند. این نوشتار را با گرامیداشت شهدای مظلوم دو حج خونین ۶۶ و ۹۴ و با تذکر از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی پایان می‌بریم که دو سال پیش در دیدار کارگزاران و مسئولان حج فرمودند: «فاجعه مسجدالحرام و منا در سال ۹۴ [هم] این قضیه فراموش‌شدنی نیست؛ این باید حتماً تعقیب بشـود، دنبال بشود، مجموعه و هیئت حقیقت‌یاب با حضور مدّعی اصلی - که جمهوری اسلامی است- باید تشکیل بشود، باید به مجامع بین‌المللی مراجعه بشود، از هرجایی که ممکن است باید کمک گرفته بشـود تا احقاق حق بشود؛ اینجا ظلم بزرگی انجام گرفت. حق بزرگ حجاج بر آن کسـانی که مسلّط بر آن منطقه هستند، امنیت آنهاست؛ این مطالبه اصلی آنهاست. «امن» یکی از خصوصیاتی اسـت که خدای متعال برای خانه خودش و شهر مکه و حرم، معین فرموده‌است: جَعَلَنَا البَیتَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَ اَمناً؛ همه آنجا جمع بشوند و امن باشد، امنیت داشته باشـند. امنیت و ایمنی مردم یکی از اساسی‌ترین کارهاست؛ این ایمنی مراعات نشد. این، مطالبه لازم دارد؛ این، دنبال‌گیری لازم دارد؛ از دنبال‌گیری از این قضیه خسته نشوید. دنبال کنید، بخواهید. مسئولان محترم - چه در بعثه، چه در سازمان حج، چه در دستگاه‌های ذی‌ربط، وزارت خارجه، قوه قضائیه و دیگران - باید قضیه را دنبال بکنند.»

تحلیل

رحیم زیادعلی

کودتای حزبی در اردوگاه اصلاحات

رادیکال‌ها جایگزین میانه‌روها در شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان می‌شوند؟

برخی اخبار و گزارش‌های دریافتی از قدرت گرفتن احزاب تندرو و اصلاح‌طلب در شـورای عالی سیاسـتگذاری اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ حکایت دارد.

روزی که شـورای سیاسـتگذاری اصلاح‌طلبان تصمیم گرفت در انتخابات سـوم اسفند مجلس یازدهم لیسـت ارائه ندهد، می‌شد حدس زد که اختلافـات درونی میان این جریان سیاسـی به شدت بالا گرفته اسـت، چنانکه برخی در خفا و علناً سخن از تحریم غیررسمی انتخابات به میان آوردند. در این میان اما احزاب اصلاح‌طلبی بودند که بدون توجه به این دستور حزبی در انتخابات مجلس فعالانه مشارکت و لیست ارائه کردند.

با اعلام نتیجه انتخابات و واگذاری کرسـی‌های مجلس به رقیب سنتی اصلاح‌طلبان، دعواهای حزبی و درون گروهی شـکل علنی و عینی‌تری به خود گرفت که یک‌سوی آن حزب کارگزاران سـازندگی و سـوی دیگـرش احـزاب تنـدرو اصلاح‌طلب از جمله حزب اتحاد ملت (بدیل حزب منحله مشارکت) بود؛ دعواهایی که همچنان در فضای رسـانه‌ای کشور می‌توان نشـانه‌های آن را یافت.

با گذشـت چند ماه از مناقشـه‌های درون‌حزبی بزرگ‌ترین اتفاقی که رقم خورد، استعفای رئیس و نایب‌رئیس شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، یعنـی آقایـان محمدرضـا عـارف و عبدالواحد موسوی‌لاری بود. خبری که ابتدا کوشیدند به عنوان خبرسازی جریان رقیب تفسیر کنند تا به‌زعم خود مانع فروپاشی انسجام درونی اصلاح‌طلبان شوند، اما بیانیه رسمی عارف مبنی بر کناره‌گیری از ریاست این شورا و پیش از آن استعفای موسوی‌لاری نشان داد اوضاع درونی این جریان بسیار شکننده‌تر از آن است که بتوان با مسکنی به نام «خبرسازی رقیب» مانع فروپاشی آن شد.

■ پدر خوانده‌ها، پاشنه آشیل اصلاحات

فارغ از ناکارآمدی فراکسـیون امید در مجلس دهم و همچنین عملکرد غیرقابـل دفاع دولت برآمده از اصلاحات، طی هفت سال گذشته که باعث شـد مردم در انتخابات رأی خود را از این جریان پس بگیرند، آنچه باعث شـده شـورای سیاسـتگذاری اصلاحـات از کارکـرد حزبی و تشکیلاتی خود دور شـود، نقش برخی احزاب تندرو در این اردوگاه بود که برای خود نقشـی فراتر از یک حـزب از مجموعه احزاب اصلاحات قائل بوده و هسـتند. شـاید اگـر روزی عارف و موسـوی‌لاری مصلحت‌سـنجی‌های حزبی را کنـار بگذارند و صریح‌تر مسـائل را بشـکافند، خواهند گفت کـه پدرخوانده‌هـای اصلاحات چه بلایی بر سـر این جریان آوردنـد؛ نکته‌ای که رگه‌هایی از این صراحـت را می‌توان در نامه استعفای پنجم اردیبهشت‌ماه ۹۹ سیدعبدالواحد موسـوی‌لاری به محمدرضا عارف جسـت‌وجو کرد. او در بخشـی از اسـتعفای خـود به عارف آورده بـود که این اسـتعفا می‌توانـد آغازی بر «تغییر سـاختار و سـاز و کارهای نهاد اجماعی و پررنگ شـدن نقش احزاب و تشکل‌ها» باشد. این نشان می‌دهد که شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان برخلاف عنوانش عملاً در انحصار احزاب پدرخوانـده اصلاحات بـوده و مصوبات و مواضع آن بیـش از آنکه نـگاه و نظر اجماعی همه احزاب اصلاح‌طلب را داشـته باشد، دیکته تندروهای اصلاحات بوده است. نامه نایب‌رئیس شورای عالی در حالی به عارف داده شده است که هفتم تیرماه رسـانه‌ها به نقل از داوود محمدی، دبیرکل انجمن اسلامی معلمان اعلام کردند که عارف هم از سمت خود در شـورای عالی، حتی زودتر از موسوی‌لاری اسـتعفا کرده بوده است. شـاید اعتراض به همیـن پدرخواندگی بود که عارف و موسوی‌لاری را متقاعد کرد بیش از این هزینه اقدامات و دسـتورات این تندروها به پای آنها نوشته نشـود. به این موارد اضافه کنید که چند روز پیش احمد حکیمی‌پور، دبیرکل حزب اراده ملـت و... از جمله احزابـی بودند که تأکید داشـتند شـورای عالی از مسـیر خود منحرف شـده و انتقاد اصلی آنان به پررنگ شدن حضور تندروها در این شـورا در قالب احزاب و اعضای حقیقی بود.

بهزاد نبوی و عبدالله نـوری از جمله چهره‌های اصلاح‌طلبی هستند که هم‌اکنون برای ریاست شـورای عالـی سیاسـتگذاری اصلاح‌طلبـان گمانه‌زنی می‌شوند، اما برخی خبرها حکایت از آن دارد که احزاب رادیکال شورای عالی اصلاح‌طلبان به دنبال به ریاست رساندن محمدرضا خاتمی، برادر رئیس دولت دوره اصلاحات و دبیرکل حزب منحله مشارکت در این شورا هستند.

سـیدمحمود میرلوحی از اعضای شورای عالی سیاسـتگذاری اصلاح‌طلبـان دو روز پیـش به خبرگزاری فارس گفته بود: رئیس شورای عالی باید کسـی باشـد که هم مقبول جریـان همه طیف‌های اصلاح‌طلب باشد و هم بتواند با شورای نگهبان تعامل کند. روی دیگر این سخن می‌تواند انذار و هشـداری باشـد مبنی بر اینکه ریاست شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان باید به کسی واگذار شود که او علاوه بر مقبولیت نزد همه اصلاح‌طلبان، ساختارهای نظام را هم به رسمیت بشناسد و از افراطی گری به دور باشد.

اما آیا در عمل نیز احزاب اصلاح‌طلب دست به گزینشی معقول و مقبول خواهند زد؟ قضاوت در این زمینه کمی زود اسـت، امـا گزینه‌های مطرح چنین انتخابی بـا این مختصات را تأیید نمی‌کند. محسن صفایی‌فراهانی، عضو شورای مرکزی حزب منحله مشـارکت کـه در زمان فعالیت این حزب، ریاست هیئت اجرایی را نیز برعهده داشت یکی دیگر از گزینه‌های ریاست شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان است. انتخاب یک چهره رادیکال بر مسـند ریاسـت شـورای عالی سیاسـتگذاری اصلاح‌طلبان در حالی مطرح می‌شـود که برخی اصلاح‌طلبان همچون عبدالله ناصری، عضو شورای مشورتی رئیس دولت اصلاحات از شـکل‌گیری و قوت گرفتن جریانی جدید در جبهه اصلاحات سخن می‌گوید.

عبدالله ناصری گفته بود کـه اصلاح‌طلبان تمام کنشگری خود را باید در جامعه متمرکز کنند و اگر زمانی انتخابات استصوابی برگزار شد در انتخابات هم شرکت کنند. امروز در جغرافیای ایران و با این ماهیت سیاستی، از قدرت جز رویکرد جامعه‌محور و همراهی با مردم انتظار دیگری نباید داشت.

همچنین غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگـزاران سـازندگی چندی پیـش گفته بود: «من به دوسـتان اصلاح‌طلب خودمان می‌گویم شما که مدام می‌گویید باید جامعه‌محور باشیم و روی به جامعه بیاوریم و فقط به فکر این نباشیم که در قدرت باشیم، خب این الان جامعه! آقایان و خانم‌های اصلاح‌طلب، چه طرح و چه همبستگی برای خدمت به این مردم و رفع مشکلات آنها در مسـئله کرونا ارائه داده‌اید؟» سـعید حجاریان، تئوریسین جریان اصلاحات نیز ۱۰ تیر سال ۹۷ پیشنهاد تشکیل هسته سخت در جریان اصلاحات را مطرح و تأکید کرده بود قرار اسـت یک هسته سخت در جریان اصلاحات شکل بگیرد؛ هسته‌ای که در آن افرادی که برای اصلاحات هزینه دادند و کار کردند، حضور داشته باشند.

■ ما اصلاح‌طلبان با بحران انقراض نسـل روبه‌رو هستیم

محمدعلی وکیلی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده مردم تهران در مجلـس دهم می‌گوید: «اصلاح‌طلبان نتوانسـتند از ۸۴ تا ۹۲ تربیت نسـل داشته باشـند و موفق نبوده‌اند و به همین دلیل اصلاح‌طلبان اکنون با بحران انقراض نسـل نیز روبه‌رو هستند.» این تنها هشدار و انتقادی نیست که او نسبت به هم جناحی‌های خود دارد، وکیلی با تقسیم اصلاح‌طلبی به دو مدل «جامعه محور» و «حکومت محور» توضیح می‌دهد: «هاضمه جامعه، اصلاح‌طلبی حداقلی است و مجلس ششم که رویکرد اصلاح‌طلبی حداکثری بر آن حاکم بود، سبب شد که هاضمه جامعه برنتابد و آن رویکرد را پس زد، به همین جهت اصلاح‌طلبان اکنون باید برای خود تعریف موقعیت کنند که آیا می‌خواهند در جمهوری اسلامی در ساحت سیاست فعالیت داشته‌باشند یا می‌خواهند بر جمهوری اسلامی فعالیت کنند. اکنون اختلاف «در» و «بر» سبب شده تا طیفی از دوستان بر اساس همین اختلاف نظر که معتقد به اصلاح‌طلبی بر جمهوری اسلامی هستند و ثانیاً بر اصلاح‌طلبی حداکثری اصرار دارند به سمت اصلاح‌طلبی جامعه محور حرکت کنند، در حالی که ما بر اصلاح‌طلبی حاکمیت محور تأکید داریم.» او معتقد است: «اصلاح‌طلبی جامعه محور با اپوزیسیون خویشاوندی نزدیکی دارد و به سرعت در آغوش و دامان اپوزیسیون می‌لغزد و به جای زبان متن، زبان حاشیه را برمی‌گزیند، بنابراین به سمت لمپنیسم سوق داده خواهد شد؛ چراکه زبان حاشیه زبان لمپنیسم است و زبان سیاست ورزی نیست.»

وکیلی «بازه ۸۴ تـا ۹۲» را بازه‌ای می‌دانـد که اصلاح‌طلبان رویکرد «جامعه محوری» را انتخاب کردند و به «کما» رفتند و حتی «تربیت نسل» را که به گفته وکیلی «انتظاری حداقلی» از آنان بود، انجام ندادند.

وکیلی «بحـران حکمرانی» را هـم دیگر بحـران موجود در جریان اصلاحات می‌داند و می‌گوید: «اصلاح‌طلبان هیچ مدل روشنی برای حکمرانی ندارند. در مجلس دهم برخی از رهبران اصلاح‌طلب خواهان حـرکات پارتیزانی به جای شـیوه‌های حکمرانی مؤثر در قاموس جمهوری اسلامی بودند.»

وکیلی تصریح می‌کنـد: «دولت کنونی هم دولـت برآمده از رأی اصلاح‌طلبی اسـت، اما اکنون هیچ توجیه روشنی برای ناکارآمدی ندارد.» او محمد خاتمی را گرچه «رهبر نمادین» اصلاح‌طلبان اما فردی «بازنشسته» می‌داند و معتقد است به همین دلیل اصلاح‌طلبان دچار «بحران بنیادین» هستند، اگر به سوی «نواصلاح‌طلبی» حرکت نکنند، «مضحک» خواهد بود که «بخواهیم درباره ورود اصلاح‌طلبان به ۱۴۰۰ صحبتی داشته باشیم.»

اخیراً تقی آزادارمکـی، از جامعه‌شناسـان نزدیک به جریان اصلاحات نیز، در بخشـی از مصاحبه با روزنامـه آرمان ملی گفته بود: «چالـش کنونی جریان اصلاحات ناشـی از حضور اصلاح‌طلبان پیر است. اصلاح‌طلبان پیر کارایی خود را از دست داده‌اند و به همین دلیل جریان اصلاحات با چالش مواجه شده اسـت. این وضعیت در جریان اصولگرایی نیز وجود داشـت، اما در شـرایط کنونی اصولگرایان از این چالش عبور کرده‌اند. اصلاح‌طلبان پیر همچنان خود را بر گفتمان اصلاح‌طلبی مسلط می‌دانند و اجازه تغییر نمی‌دهند. آقایان کرباسـچی، نوری یا نبوی که مردان بزرگ این کشور هم هستند، نمی‌توانند به عنوان لیدر جریان اصلاحات معرفی شوند. این افراد باید خود را کنار بکشند و به شیوخ اصلاح‌طلب تبدیل شوند تا آموزه‌های خود را به دیگران منتقل کنند و دیگران در صحنه سیاسی و اجتماعی کنشگری کنند.»

■ همه ضمانت اجرایی برجام ریاست جمهوری هیلاری کلینتون بود؟!

برای اغلب ایرانی‌ها، حتی همان جمعی که شب امضای برجام در خیابان به شادی و پایکوبی مشغول بودند، برجام خیلی وقت است که تمام شـده اسـت، اما اصلاح‌طلبان همچنان تلاش می‌کنند برجام را به عنوان نقطه مثبت و شاید به عنوان تنها نقطه موجودی که می‌شود آن را مثبت جا زد، القا کنند. سید محمد صدر از مدیران وزارت خارجه در دولت اصلاحات در مصاحبه با روزنامه دولتی ایران گفت: «به‌رغم اینکه همیشه مذاکره با امریکا تابو بوده اما چند سال پیش مذاکره شروع شد. نزدیک دو سال شبانه روز زحمت کشیدند و به توافقی هم با امریکا و هم با بقیه قدرت‌های جهان رسیدند. توافقی به نام برجام انجام شد و تمام آن خطراتی که در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد ایران را تهدید می‌کرد و ما ۷ قطعنامه تحریمی گرفته بودیم از بین رفت.»

او از افتخار برجام برای ایران هم گفت: «اگر آن وضعیت ادامه پیدا می‌کرد، چه بسا خطر حمله نظامی و یک جنگ به ایران تحمیل می‌شد. اینها از بین رفت و یک مذاکره برد- برد صورت گرفت... ما مذاکره کردیم و به برجام رسـیدیم؛ مذاکره‌ای که به لحاظ دیپلماتیک یک افتخار برای ایران است. مذاکره هم برد- برد بود، یعنی هم طرف ایرانی برد کرد و هم طرف مقابل. آنها می‌گفتند ما نمی‌خواهیم ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و ایران هم می‌گفت تمام تحریم‌ها و قطعنامه‌ها علیه ایران باید برداشته شود. هر دو به هدف‌شان رسیدند و اوضاع هم بد نشد.» اصلاح‌طلبان ادعا می‌کنند بدون برجام، ایران و امریکا به جنگ می‌رسیدند، اما آیا در سال‌های پس از برجام تنش‌های ایران و امریکا بیشتر نشده اسـت؟ از تعرض پهپاد غول پیکر امریکایی به ایران تا ترور سردار نیروی قدس ایران و... همه پس از برجام نبوده است؟

صدر البته قبل از همه این موارد گفت: «در شـرایط فعلی چرا مردم ما اینقدر تحت فشار هستند؟ علت اصلی آن حاکمیت یک دیوانه‌ای به نام ترامپ در امریکا است.»

اصلاح‌طلبان می‌توانند همه بار شکسـت برجـام را بر عهده دیوانگی ترامپ بیندازند، اما اولاً قبل از ترامپ هم برجام آورده چندانی برای ما نداشت؛ ثانیاً آیا تیم مذاکره کننده ما نباید تغییر دولت در امریکا را به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار در برجام در نظر می‌گرفت؟ خصوصاً که این تغییر دولت منجر به تغییر حزب حاکم هم بشود. آیا همه ضمانت اجرایی برجام ریاست جمهوری هیلاری کلینتون بود؟!

گزیده خبر

روحانی در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت:

بخش دولتی باید پیشتاز مقابله با گرانی باشد

رئیس‌جمهور با تأکید بر مقابله مؤثر با افزایش غیرقابل توجیه قیمت برخـی از کالاها تصریح کرد: همزمـان با تلاش‌ها بـرای رونق تولید و سـرعت و بهبود کیفیت تولید کالاهـا، عرضه کالا بـه مصرف کننده و خریـدار نهایی نیز باید به همـان اندازه مورد توجه و اهمیت باشـد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ریاسـت جمهوری، دکتر روحانی روز گذشته در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، عرضه کالاها به قیمت مناسـب را از برنامه‌های اصلی دولت در کنار رونق تولید برشمرد و افزود: باید با اصلاح مسیر تولید، توزیع و تعریف فرایندها در این زنجیره، در روند تعیین قیمت کالاها شفاف‌سـازی انجام گیرد. رئیس‌جمهور افزود: مقابله با گرانی بدون دلیل ایجاب می‌کند در کنار اعمال نظارت‌های تعریف شده برای دستگاه‌های مرتبط، با ایجاد شـفافیت، زمینه نظارت عمومی را نیز فراهم کنیم.

روحانی تأکید کرد: مردم باید بدانند قیمت مواد اولیه برای ساخت محصول و تمام‌شده تولید محصولات چگونه است و وقتی کالایی به دست مردم می‌رسد چه مسیری برای تعیین قیمت را طی کرده‌است. این شفافیت هم موجب نظارت عمومی و مقابله با فساد و گرانی خواهد بود و هم رقابت را در اقتصاد رقم خواهد زد. رئیس‌جمهور افزود: همه تولیدکنندگان به‌ویژه دستگاه‌های دولتی موظف هستند، فرایند قیمت‌گذاری و عرضه سریع و آسان کالاهای تولیدی به‌ویژه مواد اولیه را مشخص کرده و برای مقابله با معضل گرانی اقدامات مؤثر را انجام بدهند. دکتر روحانی با بیان اینکه افزایش قیمت در مورد کالاهایی که در بخش دولتی و عمومی غیردولتی تولید می‌شود به هیچ عنوان قابل قبول نیست، گفت: بخش عمومی باید در زمینه کنترل قیمت‌ها با تعریف فرایند تعیین قیمت‌ها و مقابله با گرانی پیشتاز باشـد تا بتوانیم در شرایط جنگ اقتصادی و روزهای سـخت پدید آمده از معضل کرونا، فشار اقتصادی را بر مردم کاهش دهیم. رئیس‌جمهور تأکید کرد: بورس کالا باید تقویت شود و با شفافیت عرضه و تقاضا و خارج کردن عملیات سفته‌بازانه، قیمت کالاهای تولیدی کشور را به سطح منطقی برساند. روحانی با قدردانی از افزایش سطح تولید در کالاهایی مانند فولاد و پتروشیمی که در سال‌های قبل در فهرست کالاهای وارداتی کشـور بودند و اکنون به فرصت صادراتی کشـور تبدیل شده‌اند، تأکید کرد: در کالاهایی که کشور مازاد تولید دارد با شفاف کردن بازار می‌توان به قیمت منطقی دست یافت و در این رابطه دستورات لازم را به وزارت صمت و سازمان بورس صادر کرد. روحانی با تبیین اهداف جنگ اقتصادی دشمن که فروپاشی کشور اصلی‌ترین محور آن بود، گفت: برنامه دشمنان این بود که تحریم‌ها و فشارها به گونه‌ای تأثیر بگذارد که مردم حتی برای تأمین مایحتاج ضروری خود نیز با مشکل مواجه شوند، اما امروز بعد از گذشت بیش از دو سال از تحریم‌ها، دولت توانسته با همکاری و همراهی مردم و فعالان اقتصادی، نه تنها در تأمین کالاهای اساسی و ضروری جامعه بلکه در زمینه تأمین مواد اولیه تولید کالاها موفقیت داشته باشد، ضمن آنکه توانسته در این مسیر حتی به رونق و جهش تولید سرعت بدهد.

روحانی با اشاره به تداوم فشار اقتصادی دشمن اعلام کرد: دولت مصمم است، به‌رغم تمامی فشـارها برنامه منظمی برای تأمین نیازهای ارزی کالاهای اساسی و مواد اولیه و واسـطه‌ای واحدهای تولیدی اجرا و در بازار ارز تعادل لازم را ایجاد کند.

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس:

اقدام امریکا نقض صریح قوانین هوانوردی بود

ایجـاد مزاحمت جنگنـده امریکایـی بـرای هواپیمای مسـافربری ایـران، نقـض صریـح قوانیـن بین‌المللـی هوانـوردی اسـت.

به گزارش خبرگزاری خانه ملت، مجتبی ذوالنوری، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: امریکایی‌ها عذر بدتر از گناه آوردند و گفتند ما گشت‌زنی معمولی در آن کریدور هوایی داشـتیم، این دروغ آشکار و روشن بر نقض آشکار اضافه شد و جرم امریکایی‌ها را مضاعف کرده‌است، لذا حیثیت بر باد رفته آنها را بیشتر بر باد داد. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، با تأکید بر حق جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری این موضوع اظهار کرد: در صورتی که جمهوری اسلامی بخواهد مقابله به مثل کند، این حق را دارد. همچنین ایران حق پیگیری از طریق مجامع بین‌الملـل و طرح دعوی حقوقی برای پیگیری این موضوع را دارد.

ذوالنـوری تصریح کـرد: وزارت امـور خارجه مکلف بـه پیگیری تعرض جنگنده‌های امریکاست و کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز تأکید دارد که وزارت خارجه به قوت کار را پیگیری کند، با توجه به اینکه برخی از مسافران هواپیمای ایرانی آسـیب دیدند، درخواسـت غرامت برای آنها باید صورت بگیرد، لذا در این صورت قوه‌قضائیه بایـد به وزارت امور خارجه کمک کند.

این نماینده مردم در مجلس یازدهم تصریح کرد: ایکائو (سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی) باید روی این موضوع حساس شود و ضمن انجام وظیفه، مطالبه‌گری کند. ایکائو باید علیه امریکا طرح دعوی کند، زیرا این سنت بدی است و اگر قرار باشد هر قلدری برای مسیرها و کریدورهای مسافرتی هوایی ایجاد مزاحمت کند، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و کشورهای دیگر هم این حق را به خود می‌دهند که چنین کاری را تکرار کنند. وی با اشاره به تردد هواپیماها در آسمان ایران افزود: جمهوری اسـلامی ایران اثبات کرده که هیچ‌گونه تعرض برای هواپیماها ایجاد نمی‌کند، هرچند با توجه به حضور بیگانگان در منطقه بیشترین مانورهای هوایی را داریم، اما تاکنون هواپیمای ایران، رعب و ترس یا نگرانی برای خطوط هوای ایجاد نکرده است. ذوالنوری یادآور شد: امریکایی‌ها مدعی داشتن تجهیزات راداری پیشرفته هستند و اذعان دارند که آسمان منطقه را در کنترل دارند و هر جنبده‌ای را که حرکت کند می‌توانند شناسایی کنند، اما برای هواپیمای مسافربری ایجاد مزاحمت می‌کنند و به تناقض‌گویی می‌پردازند.

نماینده کلیمیان در مجلس دهم:

خودمان را برای مقابله با امریکا باید قوی کنیم

بهترین راه برای مقابله با امریکایی‌ها این است که ما خودمان را در داخل از نظر اقتصادی و نظامی قوی کنیم، والا شکایت به نهادهای بین‌المللی تنها ثمـرش محکوم کردن و ابراز تأسـف کـردن از این اقدام اسـت.

سـیامک مره‌صدق، نماینده کلیمیان ایـران در مجلس دهم در گفت‌وگو با فارس، با اشـاره به مزاحمـت جنگنده‌های امریکایی بـرای هواپیمای مسـافربری ایران گفت: هیچ‌کس در توحش امریکایی‌ها شک و تردیدی ندارد و همگان می‌دانند که امریکا و رژیم صهیونیستی به هیچ یک از اصول و قوانین بین‌المللی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ پایبند نیستند. وی افزود: همگان می‌دانند که نزدیک شدن هواپیمای امریکایی از فاصله تعیین شده به هواپیمای مسافربری یک نوع تعرض به حساب می‌آید و این اقدام جنگنده‌های امریکایی در واقع نوعی راهزنی هوایی است که عده‌ای مسافر بی‌پناه و بی‌دفاع را دچار رعب و وحشت کرده‌اند.

نماینده کلیمیان ایران در مجلس دهم اظهار داشت: متأسفانه سازمان‌های بین‌المللی هم نشان دادند که در قبال این گونه رفتارهای کشور امریکا واکنش درستی نشان نمی‌دهند و به جای مجازات این کشور نهایتاً به یک محکومیت و جلوگیری از تکرار این رفتارها بسنده می‌کنند که این اقدامات کشوری مثل امریکا را جری‌تر می‌سازد. مره‌صدق خاطرنشان کرد: اگر بناست جلوی این رفتارها و این تجاوزات و تعرضات و راهزنی‌های امریکایی‌ها گرفته شود، باید برای مجازات برای مدتی خطوط هوایی این کشور تعلیق شود، والا محکوم کردن و امثال این کارها نه تنها بازدارنده نیسـت بلکه باعث تکرار این گونه رفتارها نیز خواهد شد. مره‌صدق در پایان گفت: همانطور که گفتم پیگیری این مسـائل در نهادهای بین‌المللی نتیجه‌اش نهایتاً یک محکوم کردن و ابراز تأسف کردن اسـت، پس بهترین راه برای مقابله با این گونه رفتارهای امریکایی‌ها این است که ما خودمان را در داخل از نظر اقتصادی و نظامی قوی کنیم تا آنها جرئت مقابله با ما را نداشته باشند.